

خبر

اعتراض در حوالی کن؛ ممنوع!

شهر کن تظاهرات در امتداد جشنواره فیلم کن و اطراف آن در طول برگزاری هفتاد و ششمین دوره این رویداد سینمایی را ممنوع کرده است. به گزارش ایسنا به نقل از ورائتی، تصمیم مسئولان شهری کن مبنی بر ممنوعیت برپایی تظاهرات اعتراضی در حین برگزاری جشنواره کن در اطراف کاخ جشنواره در حالی اتخاذ شده که اتحادیه کارگری فرانسه در حال تدارک یک تظاهرات بزرگ در ۲۱ ماه می است، اما این تظاهرات در امتداد بلوار کارنو، دورتر از مقر جشنواره برگزار می‌شود.

همچنین جمعی از کارگران از جمله کارکنان هتل‌ها، کافه‌ها و رستوران‌ها، در مقابل هتل کارلتون - که مهمانان معروف آن امسال شامل «مارتین اسکورسیزی» است - در تاریخ ۱۹ می از ساعت ۱ تا ۳ بعد از ظهر برگزار می‌شود. این تظاهرات، که احتمالاً شامل ضربه زدن معترضان به قابلمه‌ها برای ابراز خشم می‌شود، از نظر فنی مجاز است زیرا جلوی هتل کارلتون که یک منطقه خصوصی است، برگزار می‌شود.

شهر کن و مقامات منطقه‌ای این ممنوعیت را در اکثر مناطق کن برای جلوگیری از بروز ناآرامی‌های مدنی اجرا کردند. این کشور از ابتدای ماه مارس با اعتراضات گسترده به اصلاحات سن بازنشستگی توسط دولت فرانسه و «امانوئل ماکرون» رو به رو است. آخرین باری که فرانسه با تظاهراتی در این مقیاس مواجه شد، در سال ۲۰۰۴ بود که صدها هزار نفر به خیابان‌های آامندن و از تغییرات قوانین مزایای بیکاری ماکرون در «ژاک شیراک»، رئیس‌جمهور وقت، ایجاد شده بود خوشگمن بودند.

جشنواره کن از زمان حملات تروریستی در سال ۲۰۱۶ تظاهرات در امتداد محل برگزاری این رویداد را محدود کرده است، اما «سلین پتی» یک مقام عالی رتبه اتحادیه کارگری در هتل نپس، گفته که نزدیک به دو هفته در حال مذاکره با مقامات محلی و منطقه ای برای رسیدن به یک مصالحه بوده است تا مسیر تظاهرات آنها به اندازه کافی به محل برگزاری جشنواره کن نزدیک باشد تا از این طریق اقدام اعتراضی آنها بهتر دیده شود.

بیم از بروز حواشی پیرامون جشنواره جشنواره کن امسال در حالی به اوج خود رسیده که زندگی روزمره فرانسوی‌ها همچنان به دلیل اعتراضات، اعتصابات بخش حمل و نقل و حتی علامت سوار در مورد تأمین انرژی مختل شده است. اتحادیه کارگران انرژی فرانسه پیش از این تهدید کرده است که رویدادهای مهمی از جمله کن را در آنچه (۱۰۰۰ روز اقدام و خشم) می‌خواند، هدف قرار می‌دهد و این تهدید به قطع برق بدن جشنواره کرده است که پاسخی مستقیم به سخنرانی ماه آوریل رئیس‌جمهور امانوئل ماکرون است که خواستار اقدامات «۱۰۰۰ روزه» برای کاهش تنش‌های ناشی از آن شده بود.

حواشی پیرامون جشنواره کن امسال در حالی به اوج خود رسیده که زندگی روزمره فرانسوی‌ها همچنان به دلیل اعتراضات، اعتصابات بخش حمل و نقل و حتی علامت سوار در مورد تأمین انرژی مختل شده است.

اتحادیه کارگران انرژی فرانسه تهدید کرده است که رویدادهای مهمی از جمله کن را در آنچه (۱۰۰۰ روز اقدام و خشم) می‌خواند، هدف قرار می‌دهد و این تهدید به قطع برق بدن جشنواره کرده است که پاسخی مستقیم به سخنرانی ماه آوریل رئیس‌جمهور امانوئل ماکرون است که خواستار اقدامات «۱۰۰۰ روزه» برای کاهش تنش‌های ناشی از آن شده، این در حالی که او قانون افزایش سن بازنشستگی کشور را تصویب کرد و بر خشم مردم فرانسه افزود.

هفتاد و ششمین دوره جشنواره فیلم کن از ۱۶ تا ۲۷ می سال ۲۰۲۳ (۲۶ اردیبهشت تا ۶ خرداد ۱۴۰۲) برگزار می‌شود.



نوجوانی بود که در یکی از مدرسه‌های جنوب تهران با تئاتر آشنا شد؛ همان جایی که چنگیز خلیلووند با همراهی دیگر بچه‌های مدرسه تئاترهای دبیرستانی اجرا می‌کرد. شاید آن زدگی کسی تصور نمی‌کرد بعدا یکی از همین بچه‌ها استاد بزرگ دوبله ایران بنود و دیگر هم یکی از استادان تاثیرگذار آن باشد.

احمد دامود، بازیگر، کارگردان، مترجم و استاد دانشگاه همان دانش آموزی است که بعدها کتاب‌هایش میان بازیگران و علاقه‌مندان هنرهای نمایشی دست به دست می‌شد تا جایی که کمتر کتابی به اندازه ترجمه او از کتاب استلا آدلر مورد توجه قرار گرفته‌است.
به گزارش ایسنا، نام احمد دامود با کتاب و دانشگاه گره خورده است. او جزو استادان تاثیرگذار تئاتر است که در دانشکده هنر و معهاری شاگردانی چون حمید پورآزادی، علی اصغر دشتی، افسانه ماهیان و … پرورده است. از آنجاکه ماه اردیبهشت همواره یادآور جشنواره تئاتر دانشگاهی و نیز نمایشگاه کتاب بوده‌است، بر آن شدیم تا در این ماه زیبایی بهاری یادی از این استاد کتیم که در واپسین روزهای سال گذشته از میان‌مان رفت و شلوغی‌های آخر سال اجازه نداد تا برنامه درخوری برایش برگزار شود. احمد دامود که زاده خرداد سال ۱۳۱۸ است، بعد از آشنایی اولیه با تئاتر در دبیرستان، شیفته تئاترهای لاله‌آز شد. او نمایش‌هایی از محمد علی جعفری دیده بود و بسیار مجذوب صحنه تئاتر شده بود. از آنجاکه اهل خواندن بود و کتاب‌های صادق هدایت و محمد علی جمالزاده را تمام و کمال خوانده بود، به دنبال علاقه‌اش به تئاتر به اندک منابع تئوریک موجود در آن مقطع مراجعه کرد و کتاب «هنر تئاتر» زنده‌یاد عبدالحسین نوشین یکی از نخستین کتاب‌های تئاتری بود

که به شوق فراوان آن را خواند. اما برای رسیدن به مقصد تئاتر، راهی دیگر را انتخاب کرد. او به جای انتخاب رشته تئاتر در دانشگاه، رشته روانشناسی را برگزید و در مقطع کارشناسی این رشته در دانشگاه تربیت فرهنگ فارغ‌التحصیل شد. او بهتر دیده بود برای اینکه درک درست‌تری از تئاتر و شخصیت‌ها و موقعیت‌های نمایشی داشته باشد ، خوب است در رشته‌ای مانند جامعه‌شناسی یا روانشناسی تحصیل کند چراکه باور داشت آدمی برای اینکه تئاتر را بفهمد، باید جامعه را بفهمد و اگر بخواهد در این کار باشد و در این کار زندگی کند، باید شناخت اجتماعی و روانشناسانه بسیاری خوبی داشته باشد.

از آنجا که در آن مقطع به دلیل گرایش‌های سیاسی، کتاب‌های جامعه‌شناسی در دسترس بود، روانشناسی را به عنوان رشته دانشگاهی انتخاب کرد. در دوره دانشجویی چهره‌هایی مانند جلال آل احمد و غلامحسین ساعدی به دانشگاه تبریز رفتند و با گفتگو با دانشجویان، نخستین جرعه‌های اعتراضات دانشجویی را ایجاد کردند.

دامود بعد از تحصیل در دانشگاه به مدت ۶ ماه به صورت داوطلبانه در آسایشگاه بیماران روانی در تبریز مشغول به کار شد. او این دوره شش ماهه را مقطعی عبیب در زندگی خود دانسته و عنوان کرده با کسب این تجربه، قدرت تحلیل بسیاری از شخصیت‌های نمایشی را به دست آورده‌است.

بعد از بازگشت به تهران در اداره هنرهای دراماتیک به مدیریت دکتر مهدی فروغ مشغول تجربه‌اندوزی در تئاتر شد که البته این تجربیات بیشتر در حوزه میاحث تئوریک بود تا عملی.

آشنایی با مدظفی و مهین اسکویی، پایه‌گذاران گروه تئاتر «آناهیتا» فصل دیگری

هتل هادالار می‌خواهند!

افزایش قیمت دلاری به شرط تخفیف ریالی

هزینه یک شب خوابیدن در ارزان‌ترین هتل‌های ایران برای یک نفر حدود ۴۰۰ هزار تومان خرج برمی‌دارد. هتل‌ها با این توجیه که این مبالغ برای مسافران خارجی یولی نمی‌شود، درخواست عرضه خدمات با نرخ ارزی را دارند.



گفته است: با این رفتارها (تعیین نرخ ارزی) از ورود توریست به کشور جلوگیری می‌شود. وقتی این کار را انجام می‌دهید مسافر مقصدش را عوض می‌کند. اگرچه بسیاری از مجریان و برنامه‌ریزان سفر با توجه به محدودیت‌ها و دشواری‌های اقتصادی و اجتماعی که برای گردشگری پیش آمده، به ویژه در دوران کرونا به هتل‌ها حق می‌دهند که شرایط دشوار را به این شکل جبران کنند، اما به زعم برخی دیگر نتیجه مانده و ظاهرآ تنها چاره کار، تعیین نرخ هتل‌ها پرهزینه‌تر است!
کاهش نرخ اقامت در هتل‌ها برای مسافران خارجی است! هرچند که با وجود انکار هتلداران و تلاش آن‌ها برای اجرای رسمی چنین طرحی، اما مدت‌هاست بعضی از هتل‌ها، به ویژه اماکنی که در شهرهای توریستی بوده و مورد مصرف مسافر خارجی هستند، نرخ‌ها را متفاوت از ریال و با نرخ ارزی تعیین می‌کنند، بنابر گزارش و مستندهایی که برخی از تورگردان‌ها در اختیار ایسنا قرار

داده‌اند و با توجه به مشاهدات و بررسی‌های میدانی که صورت گرفته است، نرخ اقامت در برخی از این اقامتگاه‌ها برای یک شب اقامت در اتاقی معمولی به حدود ۱۰ میلیون تومان رسیده است و برخی از آن‌ها حتی یورو و دلار هم طلب می‌کنند.
مطالبه تعیین نرخ ارزی در هتل‌ها همچنین در شرایطی مطرح شده که به استناد آماري که رییس جامعه هتلداران ایران از میزان اقامت در نوروز داده است در هفته نخست تعطیلات ضرب اشغال هتل‌ها در کشور نسبت به مدت زمان مشابه ۲۵ درصد کاهش داشت و در هفته دوم تعطیلات نوروز این روند نه تنها ادامه داشت که میانگین اقامت در هتل‌ها ۳۵ درصد کاهش داشته است.

برخی کارشناسان گردشگری بر این باورند که دربارۀ کاهش نرخ اقامت هتل‌ها باید شاخص فرهنگ را نیز درنظر گرفت، اما نکته قابل توجه این است که در سال‌های اخیر با توجه به افزایش هزینه‌های خدمات سفر، شاخص کیفیت در خدمات‌دهی و مدیریت در مقابل هزینه، پراهمیت‌تر شده است. بنابراین آنچه‌ان که انتظار می‌رفت هتل‌ها در سال‌های خلوت

خستگی‌ناپذیر به دنبال ساخت فیلم از هر موضوعی است که برایش جذاب جلوه می‌کند.

او این تلاش و میل به ساخت فیلم‌را در شرایطی خود حفظ کرده که در جامعه هنری از ماه‌ها قبل بحث بر سر انجام فعالیت‌های هنری و چگونگی انجام آن داغ بوده‌است. عیاری در این زمینه انگیزه‌هایی دارد که آن‌ها را اینگونه شرح می‌دهد: «به نظرم در این بحث دو نکته وجود دارد؛ اول اینکه کار کردن، هیچ وقت اشکالی ندارد اما انجام یک کار و مشخصا فیلمسازی در یک شرایط خاص، به نشان‌کنار گذشتن تمام ارزش‌های فکری نیست. دوم اینکه فیلمسازی شغل من است و من هم تحمل گرسنگی را ندارم و راه دیگری هم برای کسب پول ندارم. همانطور که یک راننده‌ی تاکسی یا هر فرد شاغل دیگری کار می‌کند تا جوابگوی خانواده‌اش باشد یا شکم خود را با سیر تکاید کنم من، برای پول درآوردن احتیاج دارم شغل خود را داشته باشم و کارم را انجام دهم. زمانی هم که «ویلیا ساحلی» را فیلمبرداری می‌کردیم (تابستان و پاییز سال ۱۴۰۱) بابت حضور افرادی زیاد در گروه که آن‌ها به خاطر شغل‌شان سر کار بودند، متعهد بودم کارم را به سرانجام برانم.

عیاری که در همان مسترکلاس سال ۱۳۹۱ «سینما را یک سرگرمی گران‌قیمت برای خود توصیف کرده بود که گاهی سراغ آن می‌رود» ادامه می‌دهد: «اگر از جنبه‌ی مالی قضیه که فیلمسازی را برای من به شغل تبدیل کرد، بگذریم، این را باید تکاید کنم من، بنا به همین شغلی که دارم، نمی‌توانم تصور کنم که روزی کار نکنم و فقط به انتظار شرایط ایده‌آل باشم؛ نمی‌توانم. دیوانه می‌شوم. همین الان که مشغول تدوین «ویلیا ساحلی» هستم و به نظرم فیلم خوبی هم می‌شود، هنوز در فکر «کاناپه»ام که می‌خواهی در این خاصی در سینمای من دارد. با این حال همچنان کارم را دنبال می‌کنم. خیلی دوست دارم درباره «زن، زندگی، آزادی» فیلم بسازم اما فکر نمی‌کنم امکانش مهیا شود. به‌جز این موضوع، دوست دارم فیلمی بسازم به نام «ناسنامه» که یک سال قبل به سوژه آن برخوردم و کاملا توجهم را جلب کرد. ماجرا دربارۀی مادر شدن بدون ازدواج است؛ یعنی زنانی که بدون هیچ رابطۀای قصد مادر شدن دارند. فعلا مشغول نوشتن فیلمنامه‌اش هستم و امیدوارم شرایط ساختش فراهم شود. در کنار این‌ها یک موضوع به شدت جذاب برای ساخت در قالب یک مینی‌سریال دارم که امکان ساخت نسخه‌ی

کرونا به به‌سازی آموزش نیروی انسانی و کیفیت خدمات روی آوردند، اما کاهش درآمد و کمبود مسافر، هتل‌ها را بیشتر به سمت تعطیلی‌کشاند تا ارتقای خدمات. پیش از کرونا نیز وضعیت کیفیت خدمات در هتل‌ها به استناد آمارهای وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی چندان مناسب نبود؛ در سال ۹۸ از مجموع ۱۲۷۳ هتل موجود در کشور ۱۵۲ هتل، گواهی کیفیت گرفته‌اند که حدود ۱۲ درصد هتل‌ها را شامل می‌شود. سهم هتل‌های پنج‌ستاره از این مجموعه ۸ واحد، چهارستاره ۱۸ واحد، سه‌ستاره ۴۳ واحد، دوستاره ۵۰ واحد و یک ستاره ۳۳ واحد بوده است.

به نظر می‌رسد متولیان وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی و همینطور هتلداری به جای اصلاح شیوه‌های مدیریتی و خدماتی و ارائه تسهیلات و امکانات پایدار که می‌تواند به بقا و حفظ صنعت هتلداری ایران کمک کند، آسان‌ترین روش را برای جبران هزینه و خسارت‌ها برگزیده که هتل را به عنوان «کالایی لوکس» از دسترس قشر بیشتری از مردم خارج می‌کند.

سینمایی آن نبود، به همین دلیل سراغ شبکه‌ی نمایش خانگی رفتم و می‌خواهم «راز تهمینه» (با نام قبلی گروگان) را با بازی رضا عطاران از

پاییز برای یکی از پلتفرم‌های اینترنتی بسازم.»

عیاری همچنین اضافه می‌کند که پس از ۲۰ سال درصد تمام کردن فیلم رها شده‌ی (سفره ایرانی) است که ساکنان قبیل آن را دو سال قبل سر سریال (۸۷متر) فیلمبرداری کرده بود.

این کارگردان در عین حال امیدوار است که بعد از دعوت اخیر پیمان جلیلی (رییس سازمان صدا و سیما) برای حضور فیلمسازان مطرح و

ساخت اثر در تلویزیون، مشکل سریال (۸۷متر) و او هم حل شود. عیاری که فعالیت جدی و حرفه‌ای خود را در سینما از سال ۱۳۵۸ با ساخت مستند «تازۀنفس‌ها» آغاز کرده، در طول بیش از این چهار دهه فقط ۱۱۴ اثر سینمایی ساخته که تقریبا هیچ کدام از آن‌ها هم شرایط سهلی برای نمایش نداشتند. او درباره حس و حالش از آنچه در این سال‌ها با همه سختی‌ها جلوی دوربین برده، می‌گوید: «راضی نیستم، می‌توانستم متفاوت‌تر از این باشم. می‌توانستم فیلم‌های بیشتر و بهتری بسازم.» این کارگردان سینما که تا چند ماه آینده فیلمش را وارد چرخه‌ی اکران می‌کند، در پاسخ به اینکه آیا از اوضاع اکران سینماها خبر دارد؟ می‌گوید: «شنیده بودم یک فیلم کم‌دی حدود ۸۰ میلیارد تومان فروش داشته و با وجود اینکه حرف‌های چندان جالبی هم درباره آن نمی‌شنیدم با امید رییس‌دانا - آهنگساز «ویلیا ساحلی» - برای دیدن «یک فیلم بُنجل پرفروش» (انتظور که شنیده بودیم) به سینما رفتم تا فیلم را ببینیم و جالب بود که هر دو، از فیلم خوشمان آمد. به نظرم «فسیل» برخلاف آن اظهارنظرها، یک کم‌دی تازه است که مهندسی خوبی در شکل‌گیری طنز دارد و نشان می‌دهد آقای کریم امینی (کارگردان فرد باذوقی است. این فیلم که معتقدم به سینمای کم‌دی ما تکانی داده، می‌تواند پایه‌گذار نوعی کم‌دی موفق در سینمای ایران باشد چون متفاوت از کم‌دی‌های دیگری است که تاکنون در ایران ساخته شده و حتی اگر این روند تکرار شود ممکن است آثاری بهتری هم ساخته شوند.

عیاری که از انتخاب رضا عطاران و پژمان جمشیدی در فیلم «ویلیا ساحلی» بسیار رضایت دارد، در پایان این گفت‌وگو اضافه می‌کند که بهرام افتخاری (بازیگر فسیل) یک پدیده برای سینمای ایران است.

فرهنگ و هنر

اخبار

«سوسن شاکرین» در گذشت

سوسن شاکرین -موزیسین و مدرس موسیقی- طی روزهای گذشته و در سن ۶۹ سالگی، پس از گذراندن دوره‌ای بیماری درگذشت.

به گزارش ایسنا، سوسن شاکرین متولد ۱۳۳۲ تهران بود و از نوجوانی و با علاقه بسیار در دوره‌های شبانه کنسرواتوار موسیقی، آموزش گیتار و سایر دروس تخصصی را آغاز کرد و بعدها نیز به طور آزاد، آموختن را ادامه داد و در سازمان کر اپرا، کر ارکستر سمفونیک و کر تالار رودکی هم حضوری فعال داشت.

از جمله کارهای او، ساختن موسیقی متن برای نمایش رادیویی «آهسته با گل سرخ» و موسیقی برای نمایش عروسکی «ماه پیشونی» برای اجرا در جشنواره تئاتر عروسکی است.

او همچنین یک کتاب قصه برای کودکان به نام «آرزوی بزرگ چشمه» و دو کتاب موسیقی به چاپ رسانده است.

سوسن شاکرین برای پنج فیلم بلند سینمایی در ایران موسیقی متن ساخته است.

افسانه مه پلنگ محمدعلی سجادی، برخورد سیروس اونود، یاد و دیدار، گل و بخاطر همه چیز . هر سه از ساخته‌های همسرش رجب محمدین- آثاری بوده‌اند که شاکرین برای آنها موسیقی متن ساخته بود.

رجب محمدین، همسر سوسن شاکرین که کار سینمایی‌اش را با دستپاری فیلم کلاغ بهرام بیضایی شروع کرده هم سابقه ساخت فیلم و هم سابقه تدوین دارد.

ابراهیم بصیرت در گذشت

ابراهیم بصیرت بازیگر سینما و تلویزیون بر اثر سکنه قلبی از دنیا رفت و امروز ۲۳ اردیبهشت ماه طبق وصیت‌اش در شمال ایران که در سال‌های اخیر در آنجا سکونت داشت به خاک سپرده شد.
پسر این بازیگر فقید که روز گذشته ۲۲ اردیبهشت ماه از دنیا رفته است به ایسنا گفت: پدر بیماری خاصی نداشتند و به دلیل سکنه قلبی از دنیا رفته‌اند.
ابراهیم بصیرت متولد ۱۳۲۲ لاهیجان بود و در در ۸۰ سالگی درگذشت.

شروع بازیگری وی از سال ۱۳۳۵ بوده و همچنین کارهای نمایشی دبیرستانی سال ۱۳۵۵، کارهای نمایشی هفتگی در باشگاه‌های اهواز از سال ۱۳۴۰ تا ۱۳۴۴ از جمله تجربیات وی به شمار می‌رود.

از دیگر فعالیت های وی می توان به: اولین فیلم نمایشی «سه کارگاه خصوصی» ۱۳۴۶، فیلم سینمایی و سریال‌های چون شکار انسان، طاعون، لیست سیاه، بعیت، بلبل، میان بدهای سیمای اقتصاد، جنگ هفته .هشدار پلیس، آئینه عبرت، حکایت نامه های شبکه دو، این خانه دور است، مجموعه کارگاه علوی، فیلم سینمایی در انتهای شب، سریال هایی چون: گل یخ، سریال به سوی افتخار، محاکمه، هم پیمان، عشق سهالای جنگ، دختران اشاره کرد.

قند پارسی معرفی شدند

در همایش بزرگداشت فردوسی و پاسداشت زبان پارسی، به کسانی که در زمینه زبان فارسی تلاش می‌کنند، نشان قند پارسی اهدا شد.

به گزارش ایسنا، همایش بزرگداشت حکیم ابوالقاسم فردوسی و مراسم رونمایی از نشان قند پارسی در راستای پاسداشت زبان پارسی با حضور مسئولانی از ایران و هیات‌های دیپلماتیک مستقر در تهران، امروز (شنبه، ۲۳ اردیبهشت‌ماه) در تالار رودکی برگزار شد.

در این مراسم با حضور محمدمهدی اسماعیلی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، فرشید مهدی‌پور، معاون مطبوعاتی وزارت ارشاد، و غلامعلی حداد عادل، رییس فرهنگستان زبان و ادب فارسی، از مروجان زبان فارسی تقدیر و نشان قند پارسی به آن‌ها اهدا شد.

دریافت‌کنندگان نشان قند پارسی به این شرح معرفی شدند:
حیجابی کرلانگیچ، سفیر ترکیه در ایران
رحمان‌علی میر علی‌زاده معاون وزیر فرهنگ تاجیکستان

داود حسینی، مدیر موسسه بهار آفرینش در کشور گینه

آرسن آواکیان، سفیر کشور ارمنستان در ایران
بلامرل شوکلا، وابسته فرهنگی هند

میخائل فدروف، دبیر اول سفارت روسیه در ایران

مردادجانی بوریبایف، رئیس موسسه فرهنگی اکو ناصر ابوشریف، از فعالان فرهنگی فلسطین از غزه

در زندگی حرفه‌ای او را رقم زد.

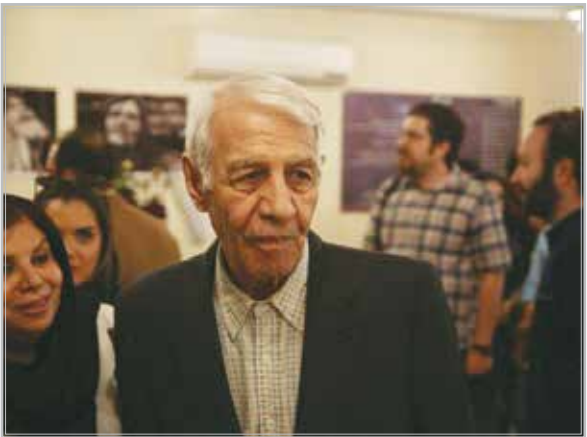
او در این گروه با کسانی چون محمود دولت‌آبادی، سیروس ابراهیم‌زاده، جعفر والی، کاظم هژیرآزاد و بسیاری دیگر تجربه‌های گوناگونی کسب کرد و با همین گروه بود که وارد حرفه بازیگری شد. نخستین بار با بازی در نقش سرباز در نمایش «تاللو» به کارگردانی مصطفی اسکویی روی صحنه رفت و بعدتر در دیگر نمایش‌های این گروه نیز به ایفای نقش پرداخت.

دامود اما بعد از انقلاب و حدود ۲۸، ۲۹ سالگی برای ادامه تحصیل راهی آمریکا شد و موفق به دریافت کارشناسی ارشد ارتباطات جمعی سینما و تلویزیون از دانشگاه کلمبیا آمریکا و کارشناسی ارشد آموزش تئاتر از دانشگاه لویولا آمریکا شد.

او مدتی به استخدام آری‌نا استیج (مهم‌ترین مرکز تئاتری شرق آمریکا بعد از برادوی) درآمد ولی از آنجاکه تسلطش را به لهجه انگلیسی کافی نمی‌دانست و معتقد بود بعد از ۱۷ سالگی نمی‌توان لهجه یک زبان دیگر را همچون زبان مادری صحبت کرد و اعتقاد داشت که خودش انگلیسی را با لهجه فارسی صحبت می‌کند، از بازیگری دور شد و به امور پشت صحنه پرداخت و همچنان ترجمه هم می‌کرد.

دامود اوایل دهه هفتاد به ایران بازگشت. جست و جو در فضای کتابخانه‌ها و دانشگاه‌های هنری خیلی زود او را ر به این نتیجه رساند که همچنان در زمینه کتاب‌های هنری مشکل داریم. پس خیلی زود دست به کار شد و بخش مهمی از کتاب‌های حوزه بازیگری و تئاتر را ترجمه و منتشر کرد.

با وجود فقط منابع تئوریک، خودش نیز شگفت‌زده شد که کتاب «استلا آدلر» که یکی از نخستین ترجمه‌های او در ایران بوده با اقبالِ کم‌نظیر رو به رو شود تا آنجاکه



گفته می‌شود بیش از ۲۵ هزار مخاطب آن را خوانده‌اند. البته که خودش اعتقاد داشت تصویر مارلون براندو بر جلد این کتاب، در جذب مخاطبان تاثیر داشته است. او بعد از بازگشت به ایران از سوی حمید سمندریان که دهه هفتاد مدیر گروه تئاتر دانشکده هنر و معماری بود، برای حضور در ترکیب هیات علمی این دانشکده دعوت شد و بعد از آن بیشتر وقت و انرژی خود را صرف تدریس و ترجمه کرد و کمتر به بازیگری پرداخت.